



هفتمین کنفرانس آموزش شیمی ایران

۲۲ تا ۲۴ شهریور ۱۳۹۰ - زنجان

تبیین ضرورت آموزش مهارت های زندگی در مدارس

شیوا حجت پناه

اداره ی آموزش و پرورش منطقه سردشت شهرستان دزفول
(shivahojatpanah@yahoo.com)

چکیده:

همه ما گاهی در زندگی با چالش ها و مشکلاتی مواجه می شویم. در برخورد با این دشواری ها، در اختیار داشتن منابع و مهارت هایی که به ما کمک می کنند تا به بهترین شکل ممکن از عهده ی حل مشکلات خود برآئیم و تسلی بخش است [۱]. انتقاد مهم به تعلیم و تربیت رسمی این است که به برخی مهارت های حرفه ای و ابزاری و تنها بر بعد شناختی تمرکز کرده است و به دیگر ابعاد فکری و روانی و اجتماعی توجهی ندارد. ضرورت یاری افراد جهت رشد بهتر مهارت های زندگی و معیشت خود، رفته رفته از اهداف مهم آموزش و پرورش تلقی می شود. نکته قابل بحث این است که دانش اکتسابی از تجارب علمی، پایاتر از معلومات بدست آمده از اجرای برنامه های آموزشی است. مدرسه علاوه بر کارکردهای رسمی آموزش خواندن و نوشتن باید در زمینه های آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان نیز ایفای نقش کند. تأکید بیش از حد بر اطلاعات و دانش نظری، دانش آموزان را از یادگیری مهارت های ضروری زندگی محروم می سازند [۲]. مهارت هایی که به انسان کمک می کند در برخورد با چالش های زندگی، آلام او التیام یافته و نشاط، شادابی و سلامت روانی خویش را بازیابد [۱]. آموزش اخلاق و مهارت های زندگی هدف اصلی دستگاه آموزشی - تربیتی اما چه راه کارهایی برای آن مدنظر است تا قوه ی خلاقیت دانش آموزان بارور شود و بر عرصه ی دانش و زندگی از آن بهره مند شوند. آموزش و پرورش در جوامع بشری برای بهبود وضعیت زندگی انسان ها و تربیت نیروی انسانی مؤثر در رشد جامعه تلاش می کند، حال آن که در کنار مهارت های عمومی (خواندن و نوشتن و...)، رسیدن فراگیران به تفکر منطقی از اهداف اصلی فرآیند تعلیم و تربیت است که دولت ها برای آن از منابع عمومی کشور هزینه می کنند در واقع صرف این هزینه با تأثیر چندین برابر در رشد جوامع، سرمایه گذاری بسیار موفق و نتیجه بخش است [۳].

کلید واژه ها: آموزش و پرورش، مهارت، زندگی، علم.

آغاز سخن

بیش تر کشورهای جهان، در چند دهه ی گذشته نگرانی های فزاینده ای را در این خصوص که نظام آموزش و پرورش، آمادگی کافی را برای پرورش مهارت ها و دانش لازم برای کار و زندگی توأم با موفقیت در جامعه ی پیچیده ی امروزی به شهروندان خود نمی دهد شاهد بوده است (دارلینگ - هاموند، ۱۹۹۳).

در واکنش به این دغدغه ها، تلاش برای بهبود مدارس افزایش یافته و تمام ابعاد سیستم آموزشی، مورد هدف قرار گرفته است. الگوی تدریس انتقال دانش عموماً در پرورش دانش و توانایی هایی که دانش آموزان برای زندگی روزانه ی خود نیاز دارند ناموفق بوده است (سنجش ملی پیشرفت آموزشی ایالات متحده، ۱۹۸۱).

هر چند در سال های اخیر در کشورهای مختلف به یادگیری مهارت در دوره ی دبیرستان، توجه شده و به تبع آن رشته هایی چون کار و دانش توسعه پیدا کرده است؛ اما آن چه به عنوان آفت این فرآیند تلقی می شود؛ آن است که دست اندرکاران سیستم آموزشی گاه با تدوین نظام های ارزش یابی نادرست از جمله کنکور سراسری، نقش عمده ای را در انحراف از هدف اصلی ایفا می کنند که عمدتاً در این فرآیند سطوح شناختی پایین مورد توجه قرار می گیرد. باید توجه داشت فرآیند تعلیم و تربیت تنها در ساختار آموزش و پرورش نهفته نیست، بلکه خانواده، جامعه و رسانه ها به عنوان عوامل تأثیر گذار، نقش بسزایی در این امر دارند. لذا باید یک هم سویی در رفتار برای نیل به اهداف مشترک وجود داشته باشد و انجمن اولیاء و مربیان و رسانه ها در همین خصوص می توانند نقش بسیار مؤثری ایفا کنند [۳].